


مدرس مجلس و تاریخ 

■ مجلس دوم و  
«فراکسیون نيسم» تحمیلی

دکتر علی مدرسی

شوریه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

قصورى را زیر نظر داشته و از امکاناتی که در اختیار دارند (و در واقع قانون در دسترس آنان قرار داده است) بهره گرفته هیأت یا قوه اجرائیه را با تذکر، سؤال و استیضاح در مسیر خدمت به ملت و اجرای دقیق و صحیح قانون سوق می دهند. نیت ناصرالملک در واقع نیت خیری بود و همین خیر اندیشی، اگر بی مطالعه و بی جاافتد، آتشی را ماند که بجای اجاق خانه، در انباری افتاده، زبانه کشد.

نایب السلطنه (ناصر الملک) سالها در دیار فرنگ زیسته و دموکراسی را با دید خود لمس کرده بود و می خواست مجلس شورای ملی ایران نیز همانند مجالس کشورهای اروپا دارای نظامی باشد که بتواند با حاکمیت کامل دولتها که با رأی مجلس، مأمور اجرای مصوبات مجلس می گردند، مقابله نماید. در نتیجه در مجلس گروهی به نام اقلیت که طبعاً نماینده ملتند، حرکت اکثریت نمایندگان را مراقبت نموده و هر

در آن روزگار نه ملت ایران کار گروهی در سیاست را تجربه کرده بود و نه نمایندگان مجلس مفهوم واقعی عضویت و تعهدات حزبی را به آن معنی که در اروپا وجود داشت درک می‌کردند. البته افرادی هم مانند تقی‌زاده و نظایر او بودند که به‌خاطر اقامت در کشورهای نظیر انگلستان، فرانسه و... تأثیر حزب و گروه‌گرایی را در پیشرفت کارهای اجتماعی - سیاسی می‌دانستند و کاملاً به شیوه عملکرد اقلیت و اکثریت واقف بودند؛ ولی اینان چیزی جز رونویسی از نظامنامه‌های احزاب کشورهای اروپایی در دست نداشتند که بندها (مواد) و تبصره‌های آن، با زبان و فرهنگ و شیوه سیاسی نو پای اداره کشور ما (مشروطه) چندان هماهنگ نبود و جز «خواص»، چیزی از آن نمی‌فهمیدند. برای مثال در نظامنامه موقتی فرقه دمکرات (حزب دمکرات) آمده است که:

«دستور مذاکرات کنگره موقتی از قرار زیر خواهد بود:

- ۱- شکل جدید تشکیلات فرقه.
  - ۲- طرز تاکتیک حالیه از نقطه نظر اوضاع سیاسی مستحدثه،
  - ۳- تعدیل پروگرام»<sup>(۱)</sup>
- در همین نظامنامه موقتی حزب (فرقه) که گاهی به آن فرقه عامیون! هم اطلاق می‌شد شرایط قبول اعضا چنین آمده است:
- «۱- هیچ عضوی در حوزه‌ها قبول نمی‌شود مگر آنکه پیش از وقت به توسط داعی در مرکز موقتی طرح و به

- رأی اکثریت قبول شده باشد،
- ۲- عضوی که قبول می‌شود باید کمتر از هیجده سال نداشته باشد،
- ۳- مرامنامه و نظامنامه کل را خوانده و قبول کرده باشد،
- ۴- محترف به امورات مذهبی و کسب روحانی باشد،
- ۵- متکدی و لاشخور و مفتخور نباشد،
- ۶- فاسد الاخلاق نباشد،
- ۷- با شرف باشد،
- ۸- از اشراف و اعیان و معتبرین نوکر باب قبول نمی‌شود مگر نادر و به اتفاق آرای مرکز»<sup>(۲)</sup>.

با اندک توجهی، این نکته برای خواننده امروز روشن می‌گردد که جز بند ۲ که تا اندازه‌ای قابل فهم است، بندهای دیگر کلاً قابل فهم و درک نیست. ما با کدام معیار، فساد اخلاق - لاشخور - مفتخور - با شرف (یابی شرف) یا محترف به امور مذهبی را اندازه می‌گیریم و تعیین می‌کنیم و اصولاً با توجه به بی‌سوادی مردم چنین نظامنامه (مرامنامه) ثقیل و سنگین و پیچیده‌ای را چسند در صد می‌توانستند بخوانند و یا بفهمند؟ نکته مهم اینجاست که این حزب از اشراف و اعیان و معتبرین و نوکر باب هم فردی را قبول نمی‌کند که به عضویت حزب درآید. بنابراین آنچه در مرامنامه و نظامنامه آن احزاب و هر حزب دیگری نوشته می‌شد جز نکات فریبنده و غیر قابل عمل نیست و چه بسیار داشته‌ایم احزابی که بیش از همان چند نفر که دور هم نشسته و سخن از حزب

(مردم) بی شرف و مفتری و علاف و  
بازاری مقاومت و مقاولت ابداً صحیح  
نیست» (۴)

در این نامه شیخ ابراهیم زنجانی عالم مشروطه خواه که نماینده مردم در مجلس نیز هست به جز اعضای دمکرات در مجلس که عده‌ای را نام می‌برد و خارج از مجلس که «پیلوسیان و تیکدان ارمنی» (اولی ورام پیلوسیان و دومی تیکدان ترها کویپان) و حیدر خان عمو اوغلی و عده‌ای از اعضای «داشناکسیون» (حزب داشناک که پیرم خان مشهور نیز از اعضای آن بود)، بقیه همه از گروه ارادل، اوباش، بی شرف، مفتری و ... می‌باشند و بیچاره تقی‌زاده با آن تجربیات و اطلاعات وسیع تاریخی و اجتماعی، آلت دست اینان شده و به خاطر تصویری که از فعالیت‌های احزاب در اروپا دارد، خیال می‌کند در ایران قادر است گره گشای هزاران مشکل ایجاد شده در راه حاکمیت مشروطه و آزادی باشد. مرحوم تقی‌زاده، در دوره عمر خود سه بار به کار تأسیس حزب پرداخت که یکی حزب دمکرات تقریباً از اوایل دوره دوم مجلس شورای ملی بود و دومی حزب ترقی در سال ۱۳۰۷ و آخری حزب عامیون پس از شهریور ۱۳۲۰، که هر سه مانند احزاب دیگر ناکام ماند. جز اینکه اولی از طرف جناح تندرو آن یعنی حیدرخان عمو اوغلی و هواداران او مرتکب خونریزی‌هایی نه تنها خارج از قانون بلکه جدا از اصول انسانی هم شد. همه اینها هم به گردن تقی‌زاده افتاد و منجر به فتوای تکفیر او شد.

گفته‌اند عضو دیگری نداشته ولی مرامنامه آنها بسیار دراز و کارشان خالی از رمز و راز نبوده است.

در نامه شیخ ابراهیم زنجانی<sup>(۳)</sup> که به مرحوم تقی‌زاده نوشته شده و آن هم زمانی که سید حسن تقی‌زاده نماینده سرشناس مجلس و در دوران انقلاب مشروطیت فعال است، از سیاست کنار گذاشته شده و در واقع نفی بلد گشته است، او در مقابل درخواست علمای نجف مبنی بر عدم دخالت در سیاست نتوانست مقاومت کند و به ناچار به تبریز و سپس اسلامبول رفت و از همان جا دمکراتها را رهبری می‌کرد. او به وسیله روزنامه و ارسال نامه‌های خصوصی به افراد و دریافت پاسخ آنها نقش مهمی در زمینه سیاسی و روند کار مجلسیان بر عهده داشت. مرحوم شیخ ابراهیم زنجانی به او می‌نویسد:

«افکار نجف را دیگر نفرمایید که به چه درجه فاسد و حیران کرده‌اند، واقعاً بیچاره‌ها متحیر، بلکه به درجه‌ای متهم در عثمانی به تمایل روسی هم شده‌اند....»

با این فساد افکار و خرابی کار و کسبه بازار و شدت حسد حاسدین و بعضی معاندین و آن نشریات و اکاذیب سابقه و نانجیبین اعداء، و بی شرفی که از وکلا و خطرهای هولناک، بنده نمی‌توانم صلاح بدانم که حضرتعالی قدم به تهران گذارید، بنده از معارضت اشخاص بزرگ و با شرافت و اعدا صاحب قدرت ابداً خائف نیستم، اما با ارادل و اوباش و

مرحوم شیخ محمد خیابانی و مجلس

می دانیم که مرحوم شیخ محمد خیابانی در دوره دوم نماینده تبریز و از نمایندگان فعال و استقلال طلب و پرجوش و خروش بود. خیابانی در جلسه ۲۱۵ روز پنجشنبه ۲۳ صفر ۱۳۳۹ در دوره دوم مجلس شورای ملی می گوید:

«عرض کنم که بنده بنا به آن روش و ترتیب حرکتی که خودم دارم خیلی افتخار دارم و تشکر می کنم از اینکه از کمال بی غرضی هیچ حزبی مرا خارج از خود نمی خواند یعنی با مطالب سیاسی و مقاصد حزبی تمام حزبها همراه هستم...»<sup>(۴)</sup>

ظاهراً با توجه به بیانات مرحوم خیابانی باید چنین تصور داشته باشیم که او نماینده ای آزاد و منفرد و با اصول و مرامی که احزاب داشته و به نفع ملت و مملکت بوده همراه بوده ولی در عین حال عضو حزبی خاص نبوده است. ولی با نگاهی کوتاه به نامه های او به تقی زاده مشخص می شود که خیابانی از اعضای فعال حزب دمکرات بوده و حتی در مجلس طبق تصمیم حزب عمل می کرده و به اصطلاح متعهد به اصول و قوانین و تصمیمات آن بوده است. در نامه ۲۱ شوال ۱۳۲۸ به مرحوم تقی زاده می نویسد:

«رقیمه شریفه محترمه زیارت، خدا شاهد است روحی تازه گویا به کالبد از کار افتاده ام دمیده شد از مطالعه مضامین عالیه و توجه به نکات

دقیقه اش قلبم را قوت و دیده بصیرتم را نور و برای عمل در راه آزادی دستور، حاصل آمد خواطر (خاطر) شریف به کلی آسوده باشد. به هیچ قسم سستی و فتور در طی مراحل ترقی و سعادت و دفع و ازاله خار و خاشاک این راه نجات ملت بر خود راه نداده همواره استمداد از خالق خود نموده با کمال استقامت ایستادگی در مقابل همه قسم ابتلاآت و حملات عدو نموده و تا جان دارم تن از این معرکه فترت واپس نخواهم کشید...»<sup>(۵)</sup>

از فحوای کلام شیخ در این نامه بوی شجاعت، مردانگی و قدرت روحی به مشام می رسد. در طی جملات و در خلال کلمات نامه گرچه خطاب به تقی زاده است ولی انسان، استادی را می بیند که در کلاس درس با تمام وجود تکیه بر منطق و استدلال دارد، سلاح را بر زمین نهاده و تیغ زبان را برکشیده معتقد است: ترقی و تعالی انسان با اسلحه و کشت و کشتار عملی نمی گردد، بلکه درک و شعور و عقل و فهم است که می تواند انسان را به درجه و مقام واقعی خود برساند.

«... حالیه که ترک سلاح مقاتله نموده و مبارزت و مقابله را با بیان و زبان شروع نموده ایم باید قواعد محکمه منطق را از نظر دور نکرده غلبه بر خصم و ارائه طریق بر طالبین حق را از روی دستور العمل حکمای دانا و فیلسوفهای (فلاسفه) عاقبت بین

معمول داریم. افسوس که بعضی‌ها ملاحظه این طریقه را ننموده بهانه به دست مغرضین و تهمت زننده‌ها می‌دهند...»<sup>(۶)</sup>

ولی این مرد با چنین اندیشه والایی که باید همواره تکیه‌گاهش عقل و منطق باشد و به عنوان نماینده مردم باید آنچه را بخواهد که صلاح موکلین اوست، این تصور را دارد که همه حکما و دانایان و فیلسوفان یک جا در جمع دمکراتها به هم گره خورده‌اند! نامه‌اش در واقع جمع اضداد است که مشخص می‌شود. مرحوم تقی‌زاده را در طرز سلوک و رفتار خود، عنصری صاحب نظر و رهبری آگاه می‌داند. می‌خواهد از نمایندگی استعفا بدهد، ولی:

«و اینکه در اوایل رمضان قصد بر استعفا نموده بودم بعض ملاحظات در نظر بود. بعد که از رفقا حس عدم رضا نمودم خصوص سفارش حضرت‌تعالی را به آقای تربیت فسخ عزیزت نموده کمر همت محکمتر از سابق بر میان خود را شریک و سهم شدت در جای رفقای خود (دمکراتها) می‌دانم...»<sup>(۷)</sup>

از هر دو نامه خیابانی به تقی‌زاده چنان به نظر می‌رسد که او از اعضای فعال فرقه دمکرات (حزب دمکرات) بوده است و خود را موظف می‌دیده که طبق تصمیم کمیته اداره کنندگان حزب عمل نماید. تنها موردی که خود در نامه‌اش به تقی‌زاده اشاره می‌کند - و شیوه فکری در خور ستایش و تعمقی هم هست - این است که مبارزه مسلحانه و کشتار به صورت ترور را نمی‌پذیرد و معتقد است:

«ولی چنانچه ملتفت هستید روش حرکت و طریق مشی بنده در پیش بردن مقصود غیر از طرز سلوک اکثر رفقا می‌باشد، چنانچه حضرت‌تعالی (تقی‌زاده) اشاره فرمودید هر وقتی را اقتضایی دارد و هر موقع را اقدامی مناسب است.»<sup>(۸)</sup>

خیابانی نماینده مجلس است لذا طرز سلوک و خط مشی سیاسی خود را در مرامنامه حزب دمکرات یافته، با این تفاوت که در چنان زمانی باید با منطق و استدلال وارد میدان مبارزه شد و از تریبون مجلس برای پیشرفت مقاصد با نطق و بیان بهره گرفت.

این ویژگی خاص، خیابانی را در جناح محافظه کاران و معتدلین دمکراتها قرار می‌دهد، خیابانی حتی در جریان واقعه قیام خود در تبریز چنان به مسلح نمودن همراهان همت گماشت و آنان را کما بیش با سخنان آتشین و شعارگونه، تحریک می‌نمود و دیدیم عاقبت هم در یک روز با زیرکی خاص مخبر السلطنه هدایت والی تازه وارد آن نواحی، مواجه با شکست گردیده و مقتول شد.

برای آنکه جریان فکری دمکراتها را در مجلس دوم مشخص کنیم تا بتوانیم به کار اعتدالیون در درون مجلس پرداخته و در واقع کار خیر ولی ناپخته ناصرالملک نایب السلطنه و آثارش را در میان نمایندگان دوره دوم بررسی کنیم، وضع مجلس یعنی روش رویارویی دیگر نمایندگان اعتدالی مجلس را در مقابل دمکراتها باز از قول خیابانی در نامه دومش به تقی‌زاده می‌آوریم:

اسم ولیدرهای آنها معین و اکنون با کمال احترام می‌گویم پارلمان انگلیس که ۶۷۲ عضو دارد از چهار حزب بزرگ تشکیل شده است (کنسرواتور) {محافظه کار} {لیبرال} {آزادیخواه} و {ایرلندی} و عمله جات {کارگر} سه حزب از اینها همیشه در مقابل محافظه کاران یعنی (کنسرواتور)ها عقد ائتلاف می‌بندند و هر سه حزب هم لیبر دارند... یا اینکه آقایان بدانند که لیبر اعتدالیون و لیبرهای چهار حزب دیگر کدامند عده هر کدام از احزاب پارلمان انگلیس این است که عرض می‌کنم، محافظه کارها ۷۴ نفر - لیبرالها ۷۲ نفر - عمله جات (کارگرها) ۵۳ نفر - ایرلندی‌ها ۵۷ نفر وکیل دارند و این سه فرقه که لیبرالها و عمله جات و ایرلندی‌ها باشند با هم دیگر ائتلاف کرده‌اند و امروز هیئت (هیأت) دولت انگلیس را تشکیل داده‌اند ...

حزب دمکرات اولین حزبی بود که پروگرام خود را علناً در این مجلس تقدیم کرد همین طور اول حزبی است که خود را معرفی می‌کند» (۹)

در اینجا به ناچار این نکته را تذکر دهم که ناطق (سلیمان میرزا اسکندری) وضع پارلمان و حکومت حزبی و تعداد اعضای پارلمان انگلستان را در محدوده زمانی تقریباً هشتاد سال پیش بیان می‌کند، یعنی در زمانی که پارلمان و حاکمیت حزبی در انگلستان کاملاً جا افتاده است. ولی همین شرایط را ناطق می‌خواهد در سرزمین ایران

«بدون اینکه اظهار درد دل را نموده، غم برغم آن دوست مبتلا به مسحن و غریب وطن بیفزایم شروع به مطلب را صلاح می‌دانم ...

معلوم می‌شود هنوز کینه و عداوت... های انسان صورت از قلبشان خارج نشده و به مقاصد نامشروعشان که وجود حضرت‌تعالی را سد محکمی در جلو خود و راه حرکت به سوی آنها فرض کرده‌اند نایل نشده‌اند این است که روی نمودند که چرا باز در مجلس اسم تقی‌زاده را می‌برند» (۹)

به این ترتیب خیابانی وابستگی خود را به دمکرات و خط مشی تقی‌زاده را در امور پارلمانی با احتیاط کامل می‌پذیرد. در غیاب تقی‌زاده، در مجلس دوم شورای ملی سلیمان میرزا لیبر حزب دمکرات و ناطق بامطالع، زبردستی است. در جلسه ۲۱۵ روز پنجشنبه ۲۳ صفر ۱۳۲۹ طی نطق بسیار مفصلی زمینه و الگوی تشکیل احزاب در پارلمان را که مورد نظر ناصرالملک نایب السلطنه است بیان می‌نماید و اعضای دمکرات را که نماینده مجلس هستند معرفی می‌کند:

«...باید که تمام احزاب مختلفه معین باشد و هر کدام لیبری برای خودشان معین کنند چنانچه در تمام جاها همین ترتیب معمول است و تا اندازه‌ای که بنده از پارلمان انگلیس اطلاع دارم عرض می‌کنم، که ببینید همین طور است، که احزاب تمام به

مجلس هم به راستی و از روی ترس و اضطراب می‌گفت «مجلس تابع اعلیحضرت همایونی است». با پوزش از این حاشیه، اجازه بدهید به اصل مطلب برگردم. بالاخره سلیمان میرزا در طی سخنان خود به اینجا رسید که:

«حالا شروع می‌کنم به خواندن اسامی حزب دمکرات - اعضای شعبه پارلمان فرقه دمکرات آقا شیخ ابراهیم - صدرالعلما - آقا شیخ رضا - آقا شیخ محمد رضا - آقا شیخ محمد - آقا سید حسین کزازی - آقا میرزا احمد قزوینی - آقا سید جلیل - آقا شیخ مهدی - آقا میرزا محمد نجات - آقا میرزا محمد علی خان تربیت - وحید الملک - علی‌زاده - آقا میرزا داودخان منتصر السلطان - ضیاءالملک - آقا سید حسین اردبیلی - آقا شیخ غلامحسین - ابوالقاسم میرزا - سلیمان میرزا - باید عرض کنم که این بیست اسم است نه بیست و یک چون یک نفر از آقایان هنوز خدمتشان نرسیده‌ایم و فرموده‌اند بعد از چند روز دیگر خودم، خودم را معرفی خواهم کرد و اجازه نداده‌اند که اسمشان را علنی بگویم لهذا بنده هم مستور می‌دارم عرض نمی‌کنم و بعد از چند روز خودشان خواهند گفت.» (۱۱)

پس از نطق سلیمان میرزا و معرفی اعضای حزب دمکرات که نام آقا شیخ محمد هم برده می‌شود شیخ محمد خیابانی، نطق مفصل و جامعی از بدو انقلاب مشروطیت در آذربایجان و تشکیل و فعالیت احزاب و گروهها در آن نواحی می‌نماید و در واقع تاریخچه تأسیس

و در حکومت مشروطه نوحاسته که هنوز جامعه اکثراً مفهوم حاکمیت پارلمانی را نمی‌داند و آن را با عدالتخانه اشتباه می‌کند به جریان اندازد. در حالی که مفاهیم، مواد و چگونگی اجرای قانون اساسی هنوز در نزد عامه مردم مشخص نیست و درک ائتلاف در عمل و یا در سلیقه و عقیده، حتی برای خود نمایندگان اکثراً نامعلوم است. اجازه بدهید این حاشیه را این بزمن که مجلس دوم، زه‌آورد درخوری به همراه نداشت و تنها موردی که جداً می‌توانیم در مجلس دوم به آن اشاره کنیم و تا پیش از اصرار ناصرالملک به تشکیل احزاب و گروهها آنرا مورد تحسین قرار دهیم، پافشاری کلیه نمایندگان به صورت یکپارچه و با ایمانی کامل، بر اجرای قانون اساسی بوده است و اگر منصفانه قضاوت کنیم باید بگوییم که این حرکت حاکمیت مشروطه را تا اول دوره هفتم (پایان دوره ششم) موجب شد، اگرچه اختلاف‌های حزبی و گاه اغراض شخصی جز حرفی بدون عمل خیر برای مجلس و مردم نداشت و عاقبت کار حکومت با خون آمیخته، مشروطیت را به جایی کشانید که این رضا خان میرینج بود که آخرین حرف (و شاید هم اولین) را می‌زد و عمل می‌کرد نه مجلس شورای ملی. از مجلس هفتم، دیگر همه نمایندگان تابع خواسته‌ها و منویات رضا خان بودند و دیگر نمی‌توانست نام مجلس شورای ملی یا هر نام دیگری را بر خود نهد، چه شخص رضا شاه هم سلطان بود، هم قانون اساسی بود. هم مجلس شورا بود و هم قوه اجراییه.

احزاب را در تبریز و آذربایجان به دست می‌دهد. سخن خیابانی با این جملات ختم می‌شود که:

«بنده داخل هیچ حزبی نشده‌ام و ممکن نیست بشوم مگر یک کسی که بردارد قوانین شرعیه خودمان را و از روی آن برای هر فرقه و نظامنامه و تاکتیک بنویسد پس مختصراً می‌گویم که بنده رسماً داخل هیچ فرقه نیستم ولی به اساس مقاصد آنها همراه هستم و ممکن نیست به این فرقه‌ها داخل بشوم.» (۱۲)

با توجه به اینکه سظوری از دونا مه خیابانی به تقی‌زاده را به نقل از اوراق تازه‌یاب مشروطیت خطاب به تقی‌زاده آوردیم، و این نامه‌ها هر دو (در باز خوانی) امضای «الأحقرفانی» محمد خیابانی را دارد که در تاریخ ۲۱ شوال ۱۳۲۸ و ۲۵ شوال همان سال است (در واقع با اندک تفاوتی همان زمانی است که حزب دمکرات در مجلس فعالیت خود را رسماً آغاز نموده) در واقع سخن خیابانی در مجلس و نامه‌هایش به تقی‌زاده در تضاد است. در صحت مشروح مذاکرات مجلس مطلقاً نمی‌توان تردید کرد و طبعاً نویسنده نیز نمی‌تواند نسبت به نامه‌های خیابانی به تقی‌زاده و صحت آن تردید کند، لذا مسأله مهمی که در مقابل ما قرار دارد اثبات عضویت یا عدم عضویت مرحوم شیخ محمد خیابانی در حزب دمکرات است؛ گرچه عضویت وی در یک گروه پارلمانی

ایراد محسوب نمی‌شود، بلکه نکته اینجاست که چرا مرحوم خیابانی بر خلاف گفتار خود در نامه‌های اشاره شده عضویت خود را در گروه دمکراتها انکار می‌کند؟ آیا واقعاً حزب دمکرات در آن زمان در میان عامه مردم مقبولیت نداشته؟

گفتیم که مردم و جامعه شهری و روستایی (مخصوصاً آن زمان) مفهوم حزب و حزب‌گرایی را نفهمیده و جدی نمی‌گیرند. مرحوم خیابانی شاید در میان خواص با استمساک به «تقیه» مسأله همکاری خود با دمکراتها را کتمان می‌نموده است؛ ولی از اینکه ارادتی خاص به مرحوم تقی‌زاده دارد جای تردید نیست. پس از دستور ممانعت از دخالت در کارهای سیاسی و به دنبال آنکه تقی‌زاده با درخواست سه ماه مرخصی به تبریز و اسلامبول می‌رود این خیابانی است که برای تمدید و اصولاً تیرنه و کسب مجوز فعالیت، سخت فعال است و می‌کوشد به قول خودش این سید مظلوم غریب دور از وطن افتاده را یار و مددکار باشد!

پیش از آنکه سلیمان میرزا اسکندری رسماً اعضای فرقه دمکرات را از پشت تریبون معرفی نماید و مرامنامه و نظامنامه این حزب را که سابقاً تهیه و توزیع نموده بود درباره‌اش تجدید مطلع نماید در جلسه ۲۱۴ روز چهارشنبه ۲۲ شهر صفر ۱۳۲۹ رئیس مجلس بار دیگر به نمایندگان گوشزد می‌کند که «تا بحال والاحضرت



است می‌خواهد اسامی ولیدر احزاب فعال در مجلس شورای ملی را به سمع مبارکش برساند.

بالاخره در همان جلسه (۲۱۴) مجلس شورای ملی (دوره دوم) میرزا مرتضی قلی خان با جمله «بنده اولاً خیلی افتخار می‌کنم» نطق مفصل خود را آغاز می‌کند. در طی سخنان او که بسیار از مرام و مسلک و «پروگرام» و اکثر و اقل سخن می‌رود، مشخص نیست که بالاخره نتیجه نهایی این همه مذاکره و گرفتن وقت مجلس چیست؟ چه نکته‌ای برای ملت روشن می‌شود و این اکثریت و اقلیت واقعاً می‌خواهند چه دسته گلی به سر این ملت و مملکت بزنند، و قول مدرس با آن درایت و تیز هوشی، صادق بود که گفت: «تا این حزبهای زهرماری در این مملکت روید مشروطیت راه خود را گم کرد.» (۱۴)

معلوم است در اندک مدتی که به دستور نایب السلطنه تعیین شده ساختن و پرداختن یک حزب کارآمد و با درایت سیاسی فقط می‌تواند در رویای شاهزاده سلیمان میرزا لیدر فرقه دمکرات آن هم با الگوی پارلمان انگلستان بگنجد. حالا چه باید کرد؟ جواب رئیس مجلس را چه باید داد تا او بتواند حضرت اقدس نایب السلطنه را قانع سازد که گروه اکثر و اقل معلوم گشت و نیازی به این همه سفارش و دستخط نیست!

آقا میرزا مرتضی قلی خان این مطالب را جفت و جور کرد که:

عده‌ای از نمایندگان حاضر شده‌اند داخل حزب اکثر شوند، عده‌ای هم اگر دیدند مطابق سلیقه‌شان بود بعداً داخل

نایب السلطنه علاوه بر فرمایشات حضوری به بنده هم دو سه مرتبه سفارش و دستخط فرموده‌اند که در مجلس اکثریت با کدام حزب است و اقلیت با کدام فرقه است و پروگرام آنها چه چیز است و کاندیدای آن حزب اکثر کدام است اینها را از بنده سؤال می‌کنند و معلوم است که تا بنده اطلاعی نداشته باشم نمی‌توانم جواب سؤال والا حضرت اقدس... را بدهم.» (۱۳)

سخنان رئیس مجلس (اسماعیل مختار-الدوله) تا اندازه‌ای جنبه تجاهل ظاهری دارد. چون او به خوبی واقف است که ریاستش را مدیون گروه اعتدالی است و مخصوصاً میرزا مرتضی قلیخان نائینی که سمت نایب رئیس اول را دارد، همین کسی است که بعد از سخنان او به عنوان لیدر حزب اکثریت اعضای اعتدالی معرفی می‌شود. البته این رمز و رازهای سیاسی از دیر باز در کار مملکت داری و امور سیاست متداول بوده و تا سیاست برپاست چنین روش‌هایی برجاست.

رئیس مجلس در پایان سخنانش خاطر نشان می‌سازد که والا حضرت اقدس نایب السلطنه از من خواسته‌اند تا اعضای هر حزب با مرامنامه‌شان را رسماً برای اطلاع به ایشان عرضه دارم! با توجه به سخنان رئیس مجلس احساس می‌شود تا آن زمان هم بوی استبداد از فضای مجلس شورای ملی به مشام نمایندگان و مردم مشروطه زده ایران می‌رسیده، وگرنه با کدامین اختیار به استناد کدام قانونی نایب السلطنه که مقام تشریفاتی غیرمسئول

میرزا مرتضی قلیخان توانست در مجلس ۴۲ نفر را اعضای حزب اعتدال اکثریت نام ببرد و البته خاطر نشان ساخت که: «عده اعضای اکثریت خیلی زیادتر است و شاید در همین مجلس حاضر باشند و اگر حاجت شد! شاید بعضی اظهار بفرمایند! ولی چون همین اندازه کافی بود آنها را عرض نکردم و بعداً آنان خودشان عقایدشان را اظهار می‌کنند» البته در میان نمایندگان اعتدالی اسامی وکلای میرز و سرشناسی مانند مدرس، مؤتمن الملک دیده نمی‌شود و تنها نام متین السلطنه در میان دمکراتها آمده است. درست مثل نمایندگان دمکرات عده‌ای هم هستند که غایبند و بعدها اظهار وجود خواهند نمود، به هر حال رئیس مجلس راضی می‌شود و نایب السلطنه هم قانع که مجلس شورای ملی درست مثل پارلمان انگلستان با شیوه حزبی اداره می‌شود!

مدرس و غوغای اعتدالی و دمکرات در مجلس دوم

مستأسفانه بسیاری از مورخان و زندگی‌نامه‌نویسان مدرس را از اعضای حزب اعتدال قلمداد نموده‌اند. البته نام، مقام و موقعیت علمی، مذهبی، سیاسی و اجتماعی او هم موجب می‌شده که هر فرقه‌ای به خاطر تثبیت موقعیت خود او را حتی در حد شایعه عضو گروه خود قلمداد کند؛ ولی مدرس با درایت و تدبیر خاص خود در آن چند جلسه‌ای که مسأله حزب و معرفی اعضا در

خواهند شد، عده‌ای هم هستند که اتفاق دارند ولی چون موقع نشده تا داخل در نظامات بشوند به این جهت با کمال تأسف از ذکر اسامی آنها سکوت می‌کنم و اسامی آن اشخاص را که حاضر شده‌اند داخل در انتظامات بشوند می‌خوانم و از تقدم و تأخر در ذکر اسامی معذرت می‌خواهم. اسامی (حزب اکثریت) به این ترتیب است:

آقایان: شیخ حسین یزدی - انتظام الحکما - حاجی شیخ رئیس - حاجی شیخ اسدالله - شیخ علی شیرازی - حاجی عزالممالک - عبدالحسین بروجردی - حاج شیخ علی خراسانی - شیبانی - ادیب التجار - حاج سید ابراهیم - سید محمد باقر ادیب - لواءالدوله - میرزا رضاخان مستوفی - حاج محمد کریم خان قشقایی - حاج میرزا رضاخان - آقا میرزا ابراهیم خان - مستشار الدوله - دکتر امیرخان - میرزا محمدصادق طباطبایی - حاج دکتر رضاخان - حاج آقا (شیرازی) - معاضدالملک - دکتر حیدر میرزا - رکن الممالک - دکتر اسماعیل خان - میرزا مرتضی قلی خان - فهیم الملک - ممتازالدوله - متین السلطنه - میرزا اسداله خان کردستانی - مضرالملک - معین الرعايا - ناصرالاسلام - کاشف - آقا میرزا علی اکبرخان دهخدا - آدینه محمدخان - آقا میرزا ابراهیم قمی - حاج مصدق الملک - سپهداراعظم - سردار اسعد - میرزا مرتضی قلیخان لاجستاری» (۱۵)

مذاکره خواهد کرد».<sup>(۱۶)</sup>

از نطق صدرالعلما چنان برمی آید که نمایندگان، مدرس را در امور کلی و به خصوص مسائل سیاسی صاحب نظر و مرجع می دانسته اند تا آنجا که اشاره می کند مدرس دارای نظرات عالی است و اگر کسی از هر مرامنامه ای ایرادی دارد به ایشان مراجعه کند. ولی مدرس باز هم در این مورد سخنی (در نفی و اثبات یا درستی احزاب و مرامنامه ها) به زبان نمی آورد، گویی موضوع برای او چندان اهمیتی ندارد. او این پدیده را گردبادی می داند که باید با تدبیر راه عبور بر آن گشود بدون اینکه زبانی به اصل مطلب و هدف اساسی وارد آورد. ناگفته نگذاریم که در خلال جلسات مجلس که سخن در مورد سؤاها، دستخطها، و دستورالعمل های نایب السلطنه راجع به احزاب و تشکیل آن است، مجلس مشغول بحث و جدل و معرفی اعضای اعتدالی و دمکرات می باشد. این امور در حالی است که مثلاً:

«مرتب گزارش می رسد که نایب حسین کاشی و محمدعلی گون آبادی شرارت را از حد گذرانده و نواحی کاشان تا دامغان را به آشوب کشیده اند و شوکت الملک رئیس قشون شکایت دارد که هنوز به سواران اسد آبادی برای رفع شر نایب حسین و اتباع او توپ و تفنگ و فشنگ نرسیده، منتظرم».<sup>(۱۷)</sup>

بالاخره در جلسه ۲۱۷ لایحه اعزام محصلین به خارجه مطرح می گردد. هر نماینده ای به فراخور حال و مقال خود سخنی گفته و موافقت و مخالفتی را به

مجلس مطرح است، در حائلی که در کلیه جلسات حضور دارد، لب به سخن نمی گشاید که مبادا گروهی از بیانش به نفع خود بهره برداری کنند. دریای وجودش ساکن و آرام است، صبر و شکیبایی پیشه می کند تا این غوغا سرانجام فروافتد و تب حزب سازی و اقلیت و اکثریت خواهی فروکش کند و مجلس به حالت طبیعی خود برگردد.

در جلسه ۲۱۵ که کار معرفی اعضای احزاب به پایان می رسد، مدرس دو سخنرانی کوتاه دارد که مطلقاً اشاره ای به حزب و تشکیل آن و اعضای آن ندارد و صرفاً در موضوع ماده قانونی که در مجلس مطرح بوده سخن می گوید و سعی می کند جلسات مجلس را به حالت طبیعی و توجه به وظایف خود برگرداند. در جلسه ۲۱۶ اکثر نمایندگان و وزیر امور خارجه در باب مناسبات ایران با سایر دول و اینکه چگونه از نایب السلطنه تجلیل نموده اند به تفصیل سخن می گوید و در حقیقت وقت مجلس را با بیان عظمت شخصیت و حسن نیت سایر دول در مورد حضرت والا ناصرالملک تلف می کند. صدرالعلما هم که از اعضای فرقه دمکرات است مرام و مسلک خود را استادانه توجیه و حتی اشاره به سکوت مدرس هم می کند که:

«تمام (مرامنامه) آنها را دیده اند، خدمت آقای حجت الاسلام آقای مدرس اصفهانی مسلم است که ایشان نظریات عالی دارند، نظرات اساسی خودشان را در تمام آنها خواهند کرد اگر هر کسی ایرادی دارد با ایشان

که داشته‌ایم خیلی شاگردها رفتند به اروپا و خیلی از پولهای این مملکت را در آنجا خرج کرده‌اند، لیکن نقص مملکت ما کم نشده است، باید نحوی کرد که امروز که محتاج به علوم اروپا هستیم علم را به مملکت خودمان بیاوریم. تجربیاتی که حکمای قدیم کرده‌اند این است که هر مطلبی که محتاج به تحصیلات است عشر نتیجه می‌بخشد، چنانچه از اخبار اهل بیت هم همین مطلب در می‌آید یعنی ده یک از شاگردهایی که برای یک تحصیلی می‌روند عالم برمی‌گردند، و آنچه تجربیاتی را هم که آنها کرده‌اند از روی حکمت و فلسفه است و از این جهت این را گفته‌اند و عشره را عدد کامل گرفته‌اند، پس این فایده برای این مملکت نخواهد داشت، خصوصاً با تجربیاتی که خودمان کرده‌ایم، دیده‌ایم لذا رأی بنده هم موافق است با رأی آقای سید ابراهیم که اولاً باید معلم از خارج بیاوریم ولو اینسکه سالی یک کرور مخارج او باشد، ثانیاً اگر ممکن نشود که معلم بیاوریم باید شاگرد برای معلمی فرستاد و الا ده نفر شما بر فرض فرستادید برای تحصیلات نظام از اینها چند نفرشان می‌میرند، چند نفرشان منع برای ایشان پیدا می‌شود و بالاخره آیا یک نتیجه از آنها حاصل بشود یا نشود، و فایده از آنها ببریم یا ببریم.

پس در این مدت آنچه پول از مملکت بیرون بردند و مملکت را خراب کردند

صورتی ابراز داشت: یکی از کمی بودجه و دیگری از نام مدارس که باید شاگردان در آنجا تحصیل کنند و آن یک در مورد تعداد محصلین اعزامی که ۱۵ نفر باشند یا ۲۰ نفر و... اینجا بود که مدرس نمی‌توانست در مقابل این مهم ساکت بنشیند، اگر به نطقهای مدرس در کلیه ادوار نمایندگی او با دقت بنگریم خواهیم دید که او در مسائل کوچک و عادی وارد بحث نمی‌شود مگر وقتی مسأله‌ای مهم و حیاتی در میان باشد. آن زمان است که عظمت تفکر و اندیشه واقعی او در کلامش می‌نشیند و در تاریخ جاری و جاودان می‌گردد. در زمینه اعزام محصل به خارج از کشور برای تحصیل، مدرس نکاتی را مطرح می‌کند که هنوز هم قابل تعمق و بررسی است؛ ژرفانی عملی را می‌بیند و بر روی آینده تکیه می‌کند. بهتر است عین کلام او را بیاوریم تا مشخص شود در آن غوغای چند دستگی‌ها، محور اندیشه مدرس چه بوده است و بقیه بحث را می‌گذاریم برای شماره بعد (سخنان مدرس در جلسه ۲۱۷ روز یکشنبه ۲۶ صفر ۱۳۲۹ دوره دوم مجلس شورای ملی):

«عرض می‌کنم که اولاً این عرض را که می‌خواهم بکنم شبهه نشود که از حیث حکم شرع آن باشد، اگر ده هزار نفر شاگرد هم از ایران به اروپا برود هیچ مانعی ندارد، بلکه این عرض بنده از حیث امر سیاسی است و آن، این است که ما اول مملکت خودمان را تجربه کرده‌ایم و در این مدت عمری

بس است، حالا شما معلم از خارج بیاورید تا پولهای شما تمام در مملکت خودتان خرج بشود و منحصر هم نباشد به معلم ابتدایی یا غیر ابتدایی و گمانم این است که به مقتضای صلاح امروزه این طور بهتر باشد، اگرچه اینها بیکه این را پیشنهاد کرده‌اند نمی‌دانم چه کسانی هستند و نمی‌توانم تخطئه بکنم وزارتخانه‌هایمان را، البته اشخاص صحیحی هستند ولی این را هم تجربه کرده‌ایم، که این وزارتخانه هر چه را تصویب کرد وزارتخانه بعد آن را تکذیب کرد و مجلس دارالشورا که نمی‌تواند بگوید که این ۳۰ نفر باید بروند برای تحصیل، مجلس دارالشورا هم تصدیق می‌کند بعد می‌گویند که اینها رفته‌اند برای عیش کردن! اگر معلم بیاورید و اولیای امور هم مواظب باشند سالی ده هزار، ۲۰ هزار کم است سالی یک کرور هم خرج آن معلمین بشود نافع و بهتر است از برای مملکت از این که شاگرد به خارجه بفرستید» (۱۸)

زیرنویس:

- ۱- اوراق تازه یاب مشروطیت و نقش تقی‌زاده، به کوشش ایرج افشار، چاپ اول ۱۳۵۹ ص ۳۵۸.
- ۲- همان مأخذ صفحه ۳۶۰.
- ۳- شیخ ابراهیم زنجانی از اعضای فعال حزب دمکرات و در دوره‌های اول و دوم و سوم بود او از علمای مشروطه خواه و در واقع هنگام تأسیس احزاب به گفته نایب السلطنه از مؤسسين دمکرات و چندی هم رئیس نمایندگان دمکرات بود. همان مأخذ ص ۳۲۵. نقل به مضمون همان مأخذ صفحه ۴۳۹ و ۴۴۰.

- ۴- صورت مذاکرات مجلس دوره دوم جلسه ۲۱۵ پنجمین ۲۳ صفر ۱۳۳۹ ص ۹۵۱.
- ۵- اوراق تازه یاب مشروطیت و تقی‌زاده، ص ۳۴۶.
- ۶- همان مأخذ.
- ۷- همان مأخذ صفحه ۳۳۶.
- ۸- همان مأخذ همان صفحه.
- ۹- همان مأخذ صفحه ۳۴۷. لازم به تذکر است که این نامه به صورت استنساخ در کار تاریخی و ماندگار محقق ارجمند آقای ایرج افشار در میان صفحات ۳۴۶ تا ۳۴۷ کتاب اوراق تازه یاب مشروطیت و نقش تقی‌زاده ضبط است برای اطلاع بیشتر از جریان و اسناد مشروطیت این کتاب راهنمای ارزشمندی است.

۱۰- صورت مذاکرات دوره دوم مجلس شورای ملی جلسه ۲۱۵ پنجمین ۲۳ صفر ۱۳۲۹ صفحه ۹۵۰ نطق سلیمان میرزا.

۱۱- همان مأخذ ص ۹۵۱ اسامی اعضای حزب دمکرات که به عنوان نماینده در مجلس حضور داشته‌اند سلیمان میرزا آنان را معرفی نموده است؛ این اسامی و همچنین اسامی اعضای حزب اعتدال در مجلس شورای ملی که در دوره دوم آقا مرتضی قلیخان در جلسه ۲۱۴ معرفی می‌کند در جدول پیوست آمده است:

- ۱- وحید الملک حاج میرزا عبدالحسین خان نماینده تهران با ۲۷۴ رأی که در ۲۷ عقرب ۱۲۸۸ اعتبارنامه او تصویب شد و مدت نمایندگی او ۲۵ ماه و دو روز بود.
- ۲- آقا میرزا داودخان نماینده تهران با ۱۷۰ رأی که اعتبارنامه او در ۲۷ عقرب ۱۲۸۸ تصویب شد و مدت نمایندگی او ۲۵ ماه و دو روز بود.
- ۳- شاهزاده ابوالقاسم میرزا نماینده کرمانشاه با ۲۵۴ رأی که اعتبارنامه او در ۲۷ عقرب تصویب شد و مدت نمایندگی او ۲۵ ماه و دو روز بود.
- ۴- سید حسن (حسین) کزازی نماینده کرمانشاه با ۱۹۰ رأی که اعتبارنامه او در ۲۷ عقرب ۱۲۸۸ تصویب شد و مدت نمایندگی او ۲۵ ماه و دو روز بود.
- ۵- آقای شیخ ابراهیم زنجانی نماینده تویسرکان با ۹۰ رأی که اعتبارنامه او در ۱۵ قوس ۱۲۸۸ تصویب شد و مدت نمایندگی او ۲۴ ماه و سیزده روز بود.

۱۸- شاهزاده سلیمان میرزا اسکندری نماینده از طرف مجلس با اکثریت ۲۸ رأی تصویب اعتبار نامه ۸ ذیحجه مدت نمایندگی ۲۴ ماه.

قابل ذکر است که اغلب نمایندگان تهران چون به کارهای دیگر از قبیل وزارت دعوت شده و یا مستعفی و یا اینکه اصولاً به مجلس نیامدند، نمایندگان مجلس به هر صورت ۱۵ نفر را با رأی اکثریت خود مجلس به جای آنان انتخاب کرد که سلیمان میرزا به جای یحیی میرزا که مرحوم شد انتخاب گردید در حالیکه وکالت او از اراک شده بود. ۱۹- آقا شیخ مهدی مازندرانی به حکم قرعه از طرف علما انتخاب شده و اعتبار نامه او در ۱۷ عقرب ۱۲۸۸ تصویب گردید ولی در مجلس حضور نیافت. ۲۰- آقا شیخ رضا دهخوارقانی نماینده آذربایجان تعداد آرا مشخص نیست تصویب اعتبار نامه او در ۲۷ عقرب ۱۲۸۸ مدت نمایندگی او ۲۵ ماه و دو روز (صورت مذاکرات مجلس شورای ملی دوره دوم قسمت اول).

۱۲- صورت مذاکرات مجلس جلسه ۲۱۵ پنجشنبه ۲۳ صفر ۱۳۲۹ ص ۹۵۱، نطق آقا شیخ محمد خیابانی. ۱۳- صورت مذاکرات مجلس شورای ملی دوره دوم جلسه شماره ۲۱۴ روز چهارشنبه ۲۲ صفر ۱۳۲۹ نطق رئیس مجلس نقل به اختصار. ۱۴- نقل از یادداشتی از مدرس، او در یکی از سخنرانیهای خود نیز همین تعبیر احزاب زهر مری را برای فرقه‌ها و گروه‌ها به کار برده است.

۱۵- صورت مذاکرات مجلس شورای ملی دوره دوم جلسه ۲۱۴ چهارشنبه ۲۲ صفر ۱۳۲۹ ص ۹۴۲.

۱۶- صورت مذاکرات مجلس جلسه ۲۱۶ مورخه روز شنبه ۲۵ صفر ۱۳۲۹ ص ۹۶۱ نطق صدرالعلما.

۱۷- همان مأخذ جلسه ۲۱۷ صفحه ۹۶۶.

۱۸- صورت مذاکرات مجلس شورای ملی دوره دوم جلسه ۲۱۷ روز یکشنبه ۲۶ صفر ۱۳۲۹ صفحه ۹۶۹.

۶- سید محمد رضا مساوات نماینده آذربایجان تعداد آرا مشخص نیست تصویب اعتبار نامه او در ۲۷ عقرب ۱۲۸۸ مدت نمایندگی او ۲۵ ماه و دو روز بود. ۷- آقای سید جلیل اردبیلی نماینده آذربایجان تعداد آرا مشخص نیست تصویب اعتبار نامه او در ۲۷ عقرب ۱۲۸۸ مدت نمایندگی او ۲۵ ماه و دو روز بود. ۹- میرزا محمد علیخان تربیت تعداد آرا مشخص نیست تصویب اعتبار نامه او در ۶ ذیقعه ۱۳۷۷ مدت نمایندگی او ۲۵ ماه و دو روز بود.

۱۰- آقا احمد قزوینی تعداد آرا مشخص نیست تصویب اعتبار نامه او در ۲۷ عقرب ۱۲۸۸ مدت نمایندگی او ۲۵ ماه و دو روز بود.

۱۱- آقا میرزا محمد نجات (شجاعت) نماینده آذربایجان تعداد آرا مشخص نیست تصویب اعتبار نامه او در ۲۷ عقرب ۱۲۸۸ مدت نمایندگی او ۲۵ ماه و دو روز بود.

۱۲- حاج محمد صادق علی‌زاده نماینده آذربایجان تعداد آرا مشخص نیست تصویب اعتبار نامه او در ۳ قوس ۱۲۸۹ مدت نمایندگی او ۱۲ ماه و ۲۵ روز بود. ۱۳- صادق خان منتصر السلطان آذربایجان تعداد آرا مشخص نیست تصویب اعتبار نامه او در ۲۷ عقرب ۱۲۸۸ مدت نمایندگی او ۲۵ ماه و دو روز اغلب اعضای فرقه حزب دمکرات نمایندگان آذربایجان هستند که چون انجمن ایالتی آنان را معرفی نموده‌اند تعداد آرایشان مشخص نیست.

۱۴- آقا سید حسین اردبیلی نماینده خراسان تعداد آرا مشخص نیست تصویب اعتبار نامه او در ۲۷ عقرب ۱۲۸۸ مدت نمایندگی او ۲۵ ماه و دو روز بود. ۱۵- سید یعقوب صدرالعلما نماینده آذربایجان تعداد آرا مشخص نیست تصویب اعتبار نامه او در ۱۶ جدی ۱۲۸۸ مدت نمایندگی او ۲۳ ماه و ۱۲ روز بود. ۱۶- میرزا محمد تقی ضیاء الملک نماینده سمنان و دامغان تعداد آرا ۸۲ تصویب اعتبار نامه او در ۲۹ ثور ۱۲۸۹ مدت نمایندگی او ۱۹ ماه و دو روز بود.

۱۷- آقا شیخ غلامحسین نماینده شاهرود تعداد آرا ۹۵ تصویب اعتبار نامه او در ۱۹ اسد ۱۲۸۹ مدت نمایندگی او ۱۶ ماه و ۶ روز.

اعضای حزب اعتدال در مجلس شورای ملی دوره دوم (به حسب معرفی آقا مرتضی قلیخان در جلسه ۲۱۴ مجلس شورای ملی)

مدت نمایندگی	نام	تعداد رأی	تاریخ تصویب اعتبار نامه	حوزه انتخابیه	ردیف
۲۵ ماه و ۲ روز	آقا شیخ حسین یزدی	۱۷۰۳	۶ ذیحده ۱۳۲۸	تهران	۱
یکسال و ۱۸ روز	آقا میرزا علی انتظام العلما	۳۴	۲۶ قوس ۱۲۸۹	مجلس	۲
۱۷ ماه و ۲۸ روز	ابوالحسن میرزا شیخ رئیس	۲۷۵	اول سرطان ۱۲۸۹	مازندران	۳
۱۷ ماه و ۲۸ روز	شیخ اسد الله محلاتی	—	اول سرطان ۱۲۸۹	گیلان	۴
۲۲ ماه و ۲ روز	آقا شیخ علی شیرازی	—	۲۶ دلو ۱۲۸۸	شیراز	۵
۱۹ ماه و ۳ روز	میرزا امان الله خان حاج عزالمالک	۲۰۱	۲۵ ثور ۱۲۸۹	خراسان (خرزستان)	۶
۱۹ ماه و ۲ روز	عبدالحسین بروجرودی	۱۳۰	۱۱ جمادی اول ۱۳۲۸	بروجرد	۷
۲۵ ماه و ۲ روز	حاج شیخ علی خراسانی	—	۲۷ عقرب ۱۲۸۸	سبزوار	۸
۲۲ ماه و ۸ روز	شیبانی (میرزا احمد خان)	۶۵۱	۱۰ دلو ۱۲۸۸	کاشان	۹
۲۵ ماه و ۲ روز	میرزا محمد ادیب التجار	۲۵۵	۲۷ عقرب ۱۲۸۸	قزوین	۱۰
۲۲ ماه و ۲ روز	آقا سید ابراهیم مدرسی	—	۲۶ دلو ۱۲۸۸	فارس	۱۱
۱۹ ماه و ۲۰ روز	سید محمد باقر ادیب	۲۱۰	۸ ثور ۱۲۸۹	خراسان	۱۲
۱۷ ماه و ۲۸ روز	نور الدوله	—	۱۰ ثور ۱۲۸۹	گیلان	۱۳
۱۴ ماه و ۱۸ روز	میرزا رضاخان مستوفی	۳۸	۲۶ قوس ۱۲۸۹	مجلس	۱۴
۲۴ ماه	حاج محمد کریم خان قشقایی	—	۲۹ قوس ۲۱۸۸	ایله قشقایی	۱۵
۲۵ ماه و ۲ روز	حاج میرزا رضاخان	—	۲۷ عقرب ۱۲۸۸	آذربایجان	۱۶
۱۵ ماه و ۲۴ روز	آقا میرزا ابراهیم خان	۱۶۵	۲۷ عقرب ۱۲۸۸	اصفهان	۱۷
۲۵ ماه و ۲ روز	مستشار الدوله (میرزا صادق خان)	—	۲۷ عقرب ۱۲۸۸	آذربایجان	۱۸
۲۵ ماه و ۲ روز	دکتر امیرخان امیر علم	۲۹۳	۲۷ عقرب ۱۲۸۸	تهران	۱۹
۲۵ ماه و ۲ روز	میرزا محمد صادق طباطبائی	—	۲۷ عقرب ۱۲۸۸	خراسان	۲۰
۱۴ ماه و ۱۸ روز	حاج دکتر رضاخان (دکتر حاجی رضاخان)	۳۹	۱۰ میزان ۱۲۸۹	مجلس	۲۱

اسامی اعضای حزب اعتدال در مجلس شورای ملی دوره دوم (به حسب معرفی آقا مرتضی قلیخان در جلسه ۲۱۴ مجلس شورای ملی)

ردیف	نام	حوزه انتخابیه	تعداد رأی	تاریخ تصویب اعتبار نامه	مدت نمایندگی
۲۲	حاج آقا شیرازی (حاج آقا مجتهد شیرازی)	فارس	—	۲۶	۲۲ ماه و ۲ روز
۲۳	آقای میرزا اسمعیل خان معاضدالملک	کرمانشاه	۲۵۴	۲۷	۲۵ ماه و ۲ روز
۲۴	شاهزاده دکتر حیدر میرزا	کرمان	۱۲۲	۴	۱۷ ماه و ۲۴ روز
۲۵	دکتر اسمعیل خان (فرزانه)	مجلس	۴۰	۱۴	۷ ماه و ۱۴ روز
۲۶	فیروز رکن المعالک	عراق	—	۱۹	
۲۷	آقای میرزا مرتضی قلیخان	اصفهان	۲۲۲	۲۹	۲۵ ماه
۲۸	میرزا خلیل خان فهیم الملک	قزوین	۱۷۳	۲۹	۲۵ ماه
۲۹	میرزا اسمعیل خان ممتازالدوله	آذربایجان	—	۲۷	۲۱ ماه و ۱۷ روز
۳۰	عبدالحمید خان متین السلطنه	خراسان	—	۲۷	۲۵ ماه و ۲ روز
۳۱	میرزا اسدالله خان کردستانی	کردستان	۱۳۱	۲۷	۲۵ ماه و ۲ روز
۳۲	عبدالحسین معزالملک (معوزالملک)	خراسان	—	۲۷	۲۵ ماه و ۲ روز
۳۳	میرزا عبدالله معین الرعایا	آذربایجان	—	۲۷	۲۵ ماه و ۲ روز
۳۴	سید یحیی ناصر الاسلام	گیلان	—	۲۷	۲۵ ماه
۳۵	حاج محمد اسمعیل کاشف	خراسان	—	۲۷	۲۵ ماه و ۲ روز
۳۶	آقا میرزا علی اکبر خان دهخدا	مجلس	۳۴	۱۸	۱۹ ماه و ۱۰ روز
۳۷	آدینه محمد خان	تراکمه	—	۱۴	۲۲ ماه و ۲۵ روز
۳۸	آقا میرزا ابراهیم قعی	قم	۹۲	۳	۱۶ ماه و ۲۶ روز
۳۹	حاج مصدق الممالک	ملاپور، نهاوند	—	۲۷	۲۵ ماه و ۲ روز
۴۰	محمد ولی خان سپهدار اعظم	مجلس	۵۱	۴	۸ ماه و ۳ روز
۴۱	حاج علیقلیخان سردار اسعد	مجلس	۵۸	۱۷	۱۷ ماه و ۱۱ روز
۴۲	میرزا مرتضی قلیخان بختیاری	مجلس	۲۰	۱۸	۱۰ ماه و ۳۰ روز